

پیشگفتار

اساساً انسان دنبال تعالی، پویایی و تکامل است که راه رسیدن به آن، بازگشت به خویشتن خویش و شناخت ذات اقدس حق تبارک و تعالی است؛ این مهم میسر نمی‌شود، مگر با اطاعت و عبادت حضرت حق - جلّ و علا - که «دعا» از جمله عبادت‌های است که در رسیدن به این هدف متعالی، انسان را به رشد و تعالی رهنمون می‌شود.

دعا در عرف متشرعین عبارت است از: تضرع و انابه که در فارسی به آن «راز و نیاز و توبه» گفته می‌شود و باید آن را از جمله معارف عالیه و مهم در دینداری شمرد که همیشه در سیره انبیاء و اوصیاء و اولیاء بوده است.

در کلام رسول خدا ﷺ آمده است:

«أَنَّ الدُّعَاءَ هُوَ الْعِبَادَةُ»^۱

دعا همان عبادت خداوند است.

و حتی در گامی فراتر می‌فرماید:

«الدُّعَاءُ مَعُ الْعِبَادَةِ»^۲

دعا مغز عبادت است.

۱. الدعوات (راوندی)، ص ۱۹؛ الکافی، ج ۲، ص ۴۶۷.

۲. عدّة الداعی، ص ۲۹.

دعا برای اهل عرفان، لذیذترین لذات محسوب می‌شود، چرا که سخن گفتن دل داده با دل دار است، هم‌چنان که قرآن و قرائت آن، سخن گفتن معشوق است با دل داده‌اش. پس دعا قرآنی است که فرا فرستاده می‌شود (کلام صاعد) در مقابل قرآن که کتابی است فرو فرستاده شده (کلام نازل).

امام حسین علیه السلام در دعای عرفه فرموده است:

«يَا مَنْ أَذَاقَ أَحِبَّاءَهُ حَلَاوَةَ الْمَوْتِ أَنْسَةً»^۱

ای آن که شیرینی همدمی را به دوست دارانش چشاندی است.

و امام سجاد علیه السلام در مناجات محبتین، می‌فرماید:

«إِلَهِي مَنْ ذَا الَّذِي ذَاقَ حَلَاوَةَ مَحَبَّتِكَ فَرَامَ مِنْكَ بَدَلًا»^۲

ای خدای من! کیست که شیرینی دوستی تو را چشیده باشد و تو را با کس دیگری عوض کرده باشد؟

دعا از کشش‌های طبیعی و فطری هر انسانی به شمار می‌رود؛ زیرا وی خود را قادر به تأمین خواسته‌های فروانی که دارد، نمی‌بیند و اگر به چشم بصیرت بنگرد، حتی در برآورده کردن یکی از آنها هم به شدت فقیر و ناتوان است؛ چنان که کلام خداوند بیان‌گر این مطلب است:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ»^۳

در نتیجه، با همه وجود، قدرت مطلق را می‌طلبید تا خواسته‌های خویش را با او در میان بگذارید و در هر لحظه با او زمزمه کنید. چنان‌که انبیای الهی - صلوات الله علیهم اجمعین - به مردم، همین کشش فطری را یاد آورد شدند تا همواره با خداوند ارتباط داشته باشند و خواسته‌های خود را فقط از او بخواهند.

۱. اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۳۴۹.

۲. بحار الانوار، ج ۹۱، ص ۱۴۸ (باب ادعیه المناجاة، المناجاة التاسعة).

۳. فاطر، آیه ۱۵: «ای مردم، شما به خدا نیازمندید، و خداست که بی‌نیاز ستوده است.»

دعا نشان دادن فروتنی، تواضع، خاکساری در پیشگاه احدیت و دعا سرشار از انرژی اعتقادی، تربیتی و اخلاقی است؛ بنابراین یکی از سرمایه‌های گران قدر در فرهنگ شیعه، برای رسیدن انسان‌ها به کمال واقعی، راز و نیاز و دعاست، به ویژه دعاهایی که از زبان پیامبر اسلام ﷺ و ائمه معصومین علیهم السلام به طور مستقیم نقل شده باشد.

از جمله این دعاها، می‌توان از دعای معروف و پرفیض «خضر» که مشهور به «دعای کمیل» است، نام برد. این دعا که از شورانگیزترین و پرمحتواترین معارف اسلامی است، توسط امیرالمؤمنین علیؑ به کمیل بن زیاد نخعی آموخته شده است. کمیل که دارای اندیشه‌های ناب، پاک، خالص و آراسته به اخلاق و اعمال خوب بود، دانش آموخته آن حضرت بوده است و این دعا، وجود تشنه و کویر دلش را سیراب کرد و درس‌های تهذیب، خودسازی، توبه، چگونه با خدا سخن گفتن، با او چگونه راز و نیاز کردن، با او عشق‌بازی کردن، و چگونه به او نزدیک شدن، به سوی کوی او پرواز کردن، خدا را شافی خود قرار دادن و... را بدو تعلیم داد.

معرفی اجمالی کمیل

یمن از مناطق بزرگ و معروف در جنوب شبه جزیره عربستان بود که پس از جنگ تبوک مردم آن منطقه به اسلام روی آوردند؛ و پیامبر اسلام ﷺ «معاذ بن جبل» از یاران با وفای خود را طی حکمی به عنوان معلم و مبلغ اسلام، به آن دیار اعزام کرد. از قبایل یمن، قبیله «نخع» بود- که کمیل و مالک اشتر از جمله افراد این قبیله بودند- این قبیله، اولین قبیله از یمن بود که با سخنرانی امام علیؑ در یمن مسلمان شدند و پیامبر اسلام ﷺ در خصوص این قبیله فرمودند:

«اللهم بارک فی النخع»^۱

خدایا به دودمان نخع برکت بده.

کمیل بن زیاد در این قبیله به نقلی هفت سال پیش از هجرت، و به گفته بعضی دیگر سال سوم هجرت، و بنا بر گفته برخی دیگر سال دوازدهم هجرت به دنیا آمد و معمولاً او را از جمله تابعین مشهور یاد می‌کنند.

هنگامی که امام علی علیه السلام به یمن رفت، پس از سخنرانی آن حضرت، کمیل در محضر ایشان مسلمان شد و از یاران واقعی آن حضرت گردید. وی از ایام جوانی تحت تعلیم آموزه‌های دینی و ارزش‌های اسلامی امام علی علیه السلام قرار گرفت و تا پایان عمر آن حضرت در رکاب مبارک امام علی علیه السلام حضوری فعال داشت.

پس از اینکه مردم با اصرار و پافشاری فراوان امام علی علیه السلام را وادار به پذیرش منصب خلافت کردند و با آن حضرت بیعت نمودند، آن حضرت اقدام به عزل استانداران و فرمان‌داران حکومت سابق - که بسیار بدنام و دارای سابقه سویی نزد مردم بودند - کرد، و افراد صالح، مومن و متعبد را جایگزین آنها نمود. از جمله ایشان، کمیل بود که به فرمان‌داری «هیت» از نواحی بغداد و نزدیک شهر «انبار» منصوب شد.^۲ هنگامی که امام علی علیه السلام به خلافت رسید، عده‌ای از جمله: طلحه، زبیر و عایشه به طرف کوفه و بصره لشکرکشی کردند، کمیل که در خدمت امام علی علیه السلام بود، برای آماده‌سازی و تجهیز سپاه آن حضرت تلاشی فراوان کرد و خود نیز در نبرد جمل که به شکست آشوب‌گران انجامید، شرکتی فعال داشت. هم‌چنین کمیل بن زیاد نخعی در جنگ صفین کنار امام علی علیه السلام شرکت داشت و تحت فرماندهی آن حضرت جان‌فشانی کرد، وی هر چه توان داشت در دفاع از امام خود در این نبرد به کار گرفت.

۱. الطبقات الکبری (ابن سعد)، ج ۱، ص ۲۶۰.

۲. شهاب الدین احمد نویری، نه‌ایه الارب، ترجمه محمود دامغانی، ج ۷، ص ۳۶.

جنگ صفین نیز پس از چند ماه به پایان رسید، ولی مقدمه‌ای شد برای جنگ دیگری به نام نهروان که خوارج آغازگر آن بودند، این سه جنگ در مدت کوتاه حکومت امام علی علیه السلام بر آن حضرت، تحمیل شد و کمیل در هر سه شرکت جست. وقوع این سه جنگ، تحقق همان گفتار غیبی و معروف پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به امام علی علیه السلام بود که فرمودند:

«يَا عَلِيُّ! إِنَّكَ سَتَقَاتِلُ بَعْدِي النَّاكِثِينَ وَالْمَارِقِينَ وَالْقَاسِطِينَ»^۱

یا علی تو بعد از من با سه گروه می‌جنگی: ناکثین و قاسطین و مارقین. آن حضرت با ناکثین در جمل، با قاسطین در صفین و با مارقین در نهروان جنگید و جناب کمیل بن زیاد نخعی در هر سه نبرد از بهترین سربازان فداکار و جان‌فشان امام علی علیه السلام بود.

کمیل محرم اسرار

کمیل که از خواص امیرالمؤمنین علیه السلام است یکی از راویان ثقه شمرده می‌شود و باید گفت وثاقت او، روشن‌تر از آن است که نیازی به تبیین داشته باشد.^۲ وی، مردی زاهد و عابد بود^۳ و در میان قوم خود نیز، مردی شریف و مورد احترام به‌شمار می‌رفت و دستورات او را اطاعت می‌کردند.^۴ بعد از جنگ نهروان مردم از امیرالمؤمنین راجع به خلفاء سؤال نمودند. حضرت به عبدالله بن ابی رافع فرمود که ده نفر از اشخاص مورد اطمینان را برایم احضار کن.

۱. تفسیر القمی، ج ۱، ص ۲۸۳؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۲۰۱؛

۲. ر.ک: الثقات الاخیار من رواة الاخبار، ص ۳۵۲.

۳. البدایة و النهایة، ج ۹، ص ۴۶.

۴. الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۲۱۷؛ الاصابه، ج ۵، ص ۴۸۶.

ابن ابی رافع عرض کرد: خود شما آن ها را نام ببرید. پس حضرت ایشان را شماره کرد که از جمله آنان، کمیل بن زیاد بود.^۱

در بسیاری از مواقع، وقتی امیرالمؤمنین علیه السلام می خواستند مطلبی را برای کسی بیان کنند که ظرفیت پذیرش آن را داشته باشد، آن را به کمیل می فرمودند. چند نمونه از آن سخنان را در ادامه یادآور می شویم:

الف) در نهج البلاغه آمده است که کمیل بن زیاد نقل کرده: روزی امیرالمؤمنین علیه السلام دست مرا گرفت و از کوفه خارج کرد، همین که داخل بیابان شدیم، آن حضرت آهی کشیده و فرمودند:

«يَا كَمَيْلَ بْنَ زَيْدٍ إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ أَوْعِيَةٌ فَخَيْرُهَا أَوْعَاهَا فَاحْفَظْ عَنِّي
مَا أَقُولُ لَكَ النَّاسُ ثَلَاثَةٌ فَعَالِمٌ رَبَّانِيٌّ وَمُتَعَلِّمٌ عَلَى سَبِيلِ نَجَاةٍ وَهَمَّجٌ
رَعَاعٌ أَتْبَاعُ كُلِّ نَاعِقٍ يَمِيلُونَ مَعَ كُلِّ رِيحٍ لَمْ يَسْتَضِيئُوا بِنُورِ الْعِلْمِ وَلَمْ
يَلْجَأُوا إِلَى رُكْنٍ وَثِيقٍ»

ای کمیل! این دل ها گنجینه دانشند، بهترین آنها دلی است که جاگیریش بیشتر باشد. آنچه به تو می آموزم به خاطر بسپار: مردم سه دسته هستند:

۱. عالم ربانی؛ ۲. دانشجویی که در راه رستگاری است؛ ۳. گروهی که احمق و نادانند هم چون پشه های ریز که بر سر و گوش چارپایان اجتماع دارند، به هر صدایی گوش فراداده، پیروی می کنند، و با هر بادی که بوزد تغییر جهت می دهند، از نور دانش بهره ای نبرده اند که موجب هدایت آنها شود، و به پایگاهی استوار پناه نیاورده اند، تا نجات یابند.

۱. کشف المحجبه، ص ۲۳۵ و ۲۳۶؛ بحار الانوار، ج ۳، ص ۷.

سپس حضرت فرمودند:

«يَا كَمِيلُ الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ الْعِلْمُ يَحْرُسُكَ وَأَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ وَالْمَالُ
تَنْقُصُهُ النَّفَقَةُ وَالْعِلْمُ يَزْكُوا عَلَى الْإِنْفَاقِ وَصَنِيْعُ الْمَالِ يَزُولُ بِزَوَالِهِ يَا
كَمِيلُ بِنَ زِيَادٍ مَعْرِفَةُ الْعِلْمِ دَيْنٌ يُدَانُ بِهِ بِهِ يَكْسِبُ الْإِنْسَانُ الطَّاعَةَ
فِي حَيَاتِهِ وَجَمِيلَ الْأُحْدُوثَةِ بَعْدَ وَفَاتِهِ وَالْعِلْمُ حَاكِمٌ وَالْمَالُ مَحْكُومٌ
عَلَيْهِ يَا كَمِيلُ [كَمِيلُ بْنُ زِيَادٍ] هَلَكَ خَزَانُ الْأَمْوَالِ وَهُمْ أَحْيَاءُ وَالْعُلَمَاءُ
بَاقُونَ مَا بَقِيَ الدَّهْرُ أَعْيَانُهُمْ مَفْقُودَةٌ وَأَمْثَالُهُمْ فِي الْقُلُوبِ مَوْجُودَةٌ»

ای کمیل! علم و دانش بهتر از مال است؛ زیرا دانش تو را نگهبان و حافظ است؛ و اما تو باید مال را نگهبانی کنی؛ مال با بخشش کم می‌شود، اما دانش با آموزش افزون می‌گردد. ای کمیل! علاقه به علم و دانش از لوازم دین و آیین خداست که به وسیله آن، انسان کسب طاعت می‌کند و بهترین ارمغان‌ها را برای آخرت ذخیره می‌نماید [اما] ارزش مال با از دست دادن آن از بین می‌رود. ای کمیل! گنجوران در حال زندگی مرده‌اند، ولی دانشمندان تا دامنه قیامت زنده و پایدارند؛ گرچه پیکر آنها از میان رفته است، اما قیافه آنان در دل‌ها همیشه هست.

آن حضرت سپس به سینه خود اشاره کرده و فرمودند که در آن، دانش فراوانی انباشته است و ای کاش کسانی را می‌یافتم که می‌توانستند آن را بیاموزند. حضرت در ادامه سخنان دیگری مطرح ساختند و از ائمه طاهرين که حجت‌های الهی در زمین‌اند یاد کرده و اشتیاق خود برای دیدار ایشان را یادآور شدند. آنگاه دست مبارک خود را از دست کمیل برداشته و فرمودند اگر می‌خواهی بازگرد.^۱

ب) حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به کمیل بن زیاد نخی فرمودند:

«تَبَدَّلْ وَلَا تُشْهَرَوْا وَإِشْخَصْكَ وَلَا تُذْكَرْ وَتَعَلَّمْ وَاعْمَلْ وَاسْكُتْ تَسْلَمْ
تَسْرُ الْأَبْرَارَ وَتَغِيظُ الْفُجَّارَ وَلَا عَلَيْكَ إِذَا عَلِمْتَ مَعَالِمَ دِينِكَ أَنْ لَا
تَعْرِفَ النَّاسَ وَلَا يَعْرِفُوكَ وَمَنْ أَلْزَمَ قَلْبَهُ فِكْرًا وَلِسَانَهُ الذِّكْرَ مَلَأَ اللَّهُ
قَلْبَهُ إِيمَانًا وَرَحْمَةً وَنُورًا وَحِكْمَةً وَإِنَّ الْفِكْرَ وَالْإِعْتِبَارَ يُخْرِجَانِ مِنْ
قَلْبِ الْمُؤْمِنِ مِنْ عَجَائِبِ الْمُنْطِقِ فِي الْحِكْمَةِ فَتَسْمَعُ لَهُ أَقْوَالَ يَرْضَاهَا
الْعُلَمَاءُ وَتَخْشَعُ لَهُ الْعُقَلَاءُ وَتَعْجَبُ مِنْهُ الْحُكَمَاءُ»

گوشه‌گیری اختیار کن، خویش را مشهور مگردان و شخصیت خود را از مردم پنهان
بدار، نام خود را بر سر زبان‌ها مینداز، بیاموز و عمل کن، خاموش باش که سلامت
بمانی. خوبان را شاد و شادمان کن گرچه فاجران خشمگین شوند، و باکی بر تو نیست
هر گاه احکام دین خویش را آموختی، مردم تو را نشناسند یا تو آنان را نشناسی. و هر
کس همیشه دلش در فکر و اندیشه و زبانش به ذکر خدا مشغول باشد، خداوند دلش
را از ایمان و رحمت و حکمت و نور پر می‌کند.

همانا اندیشه‌کردن و عبرت‌گرفتن از دیگران از دل مؤمن سخنان حکمت‌آمیز
بیرون می‌آورد که دانشمندان می‌شنوند خشنود می‌شوند و خردمندان فروتن
می‌گردند و حکیمان در شگفت می‌آیند.^۱

ج) در روایت آمده است که شبی امیرالمؤمنین علیه السلام از مسجد کوفه به سمت منزل
خود در حرکت بودند و کمیل بن زیاد با ایشان همراهی می‌کرد. در راه به در خانه
مردی رسیدند که در آن وقت شب قرآن می‌خواند و این آیه را قرائت می‌کرد:

۱. ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۰۰.

«أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ»^۱

کمیل بن زیاد بدون اینکه چیزی بگوید، در باطن خود، او را ستایش کرد و نیکو شمرد، زیرا حال آن مرد کمیل را به شگفت آورده بود. حضرت علی علیه السلام متوجه کمیل شده و فرمودند: ای کمیل! صدای دلنشین این مرد، تو را به شگفت نیاورد؛ همانا این مرد اهل آتش است! و به زودی بعد از این تو را از حال او خبر خواهیم داد. کمیل متحیر و سرگردان شد از این که علی علیه السلام از باطن او آگاه شد و گواهی داد که آن مرد اهل آتش خواهد بود، با وجود اینکه سرگرم عبادت بود و در این وقت شب، در چنین حالت خوبی قرار گرفته بود! کمیل خاموش گردید، اما در حالت شگفت و اندیشه و فکر در این امر فرو رفت. مدتی از داستان گذشت تا این که خوارج نهروان با امیرالمؤمنین جنگیدند در حالی که آن جماعت حافظ و قرآن بودند. امیرالمؤمنین علیه السلام در صحنه پیکار توجهی به کمیل کردند در حالی که کمیل در پیش روی حضرت ایستاده بود و شمشیر علی در دستش بود و از آن شمشیر خون می چکید و سرهای آن کافران و فاجران روی زمین را پیر کرده بود.

امام علیه السلام سر شمشیر را بر یکی از آن سرها گذاشته و فرمودند: «يَا كَمَيْلُ أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا»؛ یعنی ای کمیل! این سر همان کسی است که این آیه را در آن شب با صدایی حزین می خواند و تو را به شگفت آورد. سپس کمیل پاهای امیرالمؤمنین را بوسید و از خدا طلب آمرزش کرد.^۲

۱. الزمر، ۹: «[آیا چنین کسی بهتر است] یا آن کسی که او در طول شب در سجده و قیام اطاعت [خدا] می کند [و] از آخرت می ترسد و رحمت پروردگارش را امید دارد؟ بگو: آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟ تنها خردمندانند که پندپذیرند.»

۲. ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۲۲۶؛ بحار الانوار، ج ۳۳، ص ۳۹۹.

شهادت کمیل

پس از شهادت امام علی علیه السلام، کمیل از دوستان و یاران خاص امام حسن علیه السلام و در خدمت آن حضرت قرار گرفت و بعد از شهادت آن امام، او نیز همانند سایر شیعیان در جرگه یاران امام حسین علیه السلام وارد شد. وی که مورد خشم دستگاه جور و ظلم بود، گرفتار زندان ابن زیاد گردید و به هنگام حادثه بزرگ عاشورا از جمله کسانی بود که نتوانست در زمره یاران امام حسین علیه السلام قرار گیرد.

هنگامی که حجاج بن یوسف ثقفی به امارت رسید، قصد قتل کمیل بن زیاد را نمود، ولی چون از مخفی گاه او اطلاع نداشت، دستور داد مقرری طائفه نخع را - که از بیت المال داشتند - قطع نمودند.

کمیل که از این قضیه اطلاع پیدا کرد با خود گفت من پیر سالخورده هستم و عمر من به پایان رسیده، مناسب نیست برای دست پیدا نکردن بر من، شهریه و مقرری خویشاوندان من قطع شود، به همین دلیل خود را به بارگاه حجاج و به شخص او معرفی کرد چون حجاج او را دید گفت می خواستم مأموری گسیل کنم و تو را دستگیر نمایم اینک خود به قربانگاه آمدی!

کمیل گفت: ای حجاج دندان های خود را برای ریختن خون من تیز می کنی؟! بنای خانه خود را بدین جهت منهدم مساز. به خدا سوگند از عمر من اندک مدتی - که مانند آخرین غباری است که از اندکی تاب رسیدن به اوایل خود را ندارند - بیش نمانده، هر کار دلت می خواهد انجام بده، زیرا وعده گاه خدا نزدیک - و پس از قتل من، حساب است - و مولای من علی علیه السلام اطلاع داده که تو کشنده منی!

حجاج گفت: اکنون حجت بر تو تمام است، کمیل گفت: در صورتی حجت بر من تمام خواهد شد که قاضی تو باشی، با آنکه امر قضا به دست دیگری است!

حجاج گفت: آری حجت بر او تمام است، زیرا تو هم قدم با آنها بودی که گردن عثمان را زدند.^۱ - اگر چه کمیل با عثمان به شدت مخالف بود، ولی در قتل او دخالت نداشت. حجاج آن قدر کمیل را اذیت و آزار داد تا در سال ۸۳ هجری و در سن حدود ۹۰ سالگی به شهادت رسید.^۲

مرقد او اکنون بین کوفه و نجف زیارتگاه بسیاری از مسلمانان و شیعیان است.

دعای کمیل

دعای کمیل در میان دعاها، از اهمیت و جایگاه بسیار والایی برخوردار است، از همین رو عارفان آن دعای مبارک را اشرف همه دعاها می‌دانند و توجه ویژه‌ای بدان می‌نمایند. ۱. ابوجعفر محمد بن حسن علی، شیخ طائفه معروف به شیخ طوسی رحمته الله که به عقیده کلیه علمای رجال از اکابر علمای شیعه و مرجع فضلالی زمان بوده و دو کتاب از کتب اربعه (تهذیب و استبصار) از آثار آن بزرگوار است و بسیار جلیل‌القدر و عظیم‌المنزله و در تمام علوم دینی خبیر و در علم و عمل و کمالات نفسانی بی‌نظیر بوده است - در کتاب مصباح‌المتهجد، درباره دعای کمیل چنین گوید: روایت شده که کمیل بن زیاد امیرالمؤمنین را دید که در شب نیمه ماه شعبان در حال سجده این دعا را می‌خواندند.^۳ و سپس دعای کمیل مشهور را نقل می‌کند.

۲. سید بن طاووس از بزرگان علمای شیعه که به زیارت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مشرف شده در کتاب اقبال‌الاعمال روایت کرده که کمیل بن زیاد گفت: روزی در محضر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در مسجد بصره نشسته بودم و گروهی اطراف ایشان حضور داشتند.

۱. الارشاد، ج ۱، ص ۳۲۷؛ الاصابه، ج ۵، ص ۴۸۶.

۲. منتهی‌الامال، ج ۱، ص ۵۳.

۳. مصباح‌المتهجد، ج ۲، ص ۸۴۴.

پس شب نیمه شعبان را یادآور شدیم، حضرت فرمودند: هر بنده‌ای آن شب را به عبادت و احیاء بگذراند و دعای حضرت خضر علیه السلام را در آن شب بخواند، البته دعای او مستجاب گردد. چون حضرت به منزل آمدند، شب به خدمت ایشان رفتیم، وقتی مراد دیدند پرسیدند: ای کمیل! برای چه کاری به اینجا آمده‌ای؟ عرض کردم برای دعای خضر آمده‌ام؛ حضرت فرمودند: ای کمیل! چون این دعا را حفظ نمایی و هر شب جمعه یک مرتبه، یا در هر ماهی یک مرتبه، یا در هر سالی یک مرتبه، یا در هر عمری یک مرتبه بخوانی، شر دشمنان دفع و خدا تو را یاری می‌کند و رزق و روزی تو زیاد می‌گردد و گناهان تو آمرزیده گردد.

ای کمیل! چون مدتی زیاد در مصاحبت من به سر بردی، تو را شایسته آن دیدم که با این دعای مبارک، ممتاز و سرافراز گردانم. پس فرمود بنویس و خود حضرت دعا را املاء فرمودند و من نوشتم.^۱

۳. عالم ربّانی، مرحوم کفعمی در کتاب باعظمت مصباح و بلد الامین می‌نویسد:

امیرالمؤمنین علیه السلام این دعا را در حال سجده قرائت می‌کردند.^۲

۴. علامه مجلسی در زاد المعاد - که کتابی است در ادعیه - در اعمال شب نیمه شعبان چنین می‌گوید: دعای کمیل بن زیاد - که از خواص اصحاب حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است - بهترین دعاهاست و از دعاهای این شب است و در اوقات دیگر نیز می‌توان آن را خواند.

۵. علامه وحید بهبهانی (معروف به استاد الكل فی الكل) در تعلیقات خود راجع به کمیل می‌گوید: «و هو المنسوب الیه الدعاء المشهوره؛ کمیل کسی است که دعای مشهور منسوب به اوست».

۱. الاقبال الاعمال، ج ۲، ص ۷۰۶.

۲. البلد الامین، ص ۱۸۸؛ مصباح کفعمی، ص ۵۵۵.

۶. محدث قمی در منتهی الآمال در شرح حال کمیل گوید: دعای مشهور که در

شب نیمه شعبان و شب‌های جمعه می‌خوانند، منسوب به آن جناب است.^۱

۷. مرحوم حاج میرزا هاشم خراسانی که خود محقق کم نظیر بوده در کتاب

ارزنده‌اش منتخب التواریخ در شرح حالات کمیل - بعد از آن که جریان شهادتش را

به دست حجاج نقل می‌کند - می‌گوید: دعای کمیل که در شب‌های جمعه و شب

نیمه شعبان خوانده می‌شود، منسوب به ایشان است.

علاوه بر آنکه دعای کمیل را امثال شیخ طوسی رحمته‌الله، سید بن طاووس رحمته‌الله،

شیخ کفعمی رحمته‌الله، علامه مجلسی رحمته‌الله و... نقل کرده‌اند، بزرگانی که بر این دعا شرح

نوشته‌اند، مانند: حاج کلباسی - که از بزرگان و علماء بوده است - و هم‌چنین

علامه سبزواری - که شرحی علمی بر آن نوشته - تکیه بر شهرت دعا نموده و

آن را مستغنی از بیان سند دانسته‌اند، و در بسیاری از کتب ادعیه، سندی برای

دعا نوشته‌اند؛ یعنی شهرت آن به قدری بوده است که احساس نیاز به ذکر

سند نکرده‌اند. همچنین فقرات دعا و جامعیت آن، جهات فصاحت و بلاغت آن،

کاشف است که از منشآت امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌باشد و سنخیت دعا با دعا‌های

امیرالمؤمنین علیه‌السلام، بسیار روشن است.

علاوه بر اینها، حتی اگر دعای کمیل از لحاظ سندی دچار تردید باشد، چون

عملی استحبابی است و مناجات با خداست، نفساً مطلوب است و قاعده «تسامح در

ادله سنن»^۲ که از قواعد برگرفته از روایات اهل بیت علیهم‌السلام است، درباره آن جاری است.

این دعا از دیرباز همواره مورد توصیه و توجه عالمان و عارفان گوهرشناس

بوده و بعضی از آنان به لحاظ اهمیت محتوای آن، برای آن شرح نوشته‌اند.

۱. منتهی الامال، ج ۱، ص ۵۰۲.

۲. ر.ک: عوائد القواعد الفقهیة، ج ۱، ص ۱۵۵ تا ۱۶۹.

فقیه عارف حضرت آیت الله العظمی مظاهری علیه السلام نیز که انس و الفتی دیرینه با دعا و آموزه های عرفانی مکتب روح بخش اهل بیت علیهم السلام دارند، به طور دائم در کنار سایر تلاش های علمی، به شرح و تفسیر ادعیه و مناجات های معصومان علیهم السلام پرداخته اند که یکی از آن ها، شرح و تفسیر «دعای کمیل» است که ابتدائاً در قالب گفتاری، در سال های اول دهه شصت، از صدای جمهوری اسلامی پخش گردیده و سپس برای نخستین بار، توسط نشر لاله الا هو در سال ۱۳۶۳ منتشر شد و بار دیگر با تحقیقاتی توسط دفتر پژوهش های اسلامی (نشر اتقان) و به همت حجت الاسلام و المسلمین دکتر سید محمد رضا حسینی در سال ۱۳۸۹ شمسی منتشر گردید و اینک، موسسه فرهنگی مطالعاتی الزهراء علیها السلام آن را با اصلاحات و تحقیقی جدید، ارائه می نماید. امید است که این تلاش، خشنودی امیرالمؤمنین علیه السلام را فراهم آورده و خوانندگان ارجمند را مفید آید.

«انّه ولیّ الهدایة و التّوفیق»

مؤسسه فرهنگی مطالعاتی الزهراء علیها السلام

رمضان المبارک ۱۴۴۳

بهار ۱۴۰۱